

خدای آب‌های خلیج فارس همان خدای شش‌های طبیب است



ویژه‌نامه تک‌برگی روزنامه اصفهان‌زیبا
شماره هفتم/هفته اول اسفند ۱۴۰۴

صفهان‌زیبا | esfahanzibaonline.ir

برای اطلاع از آخرین اخبار اصفهان به پایگاه خبری اصفهان‌زیبا آنلاین مراجعه کنید

تجربه های تلخ امریک

قمار در خلیج فارس بر

شانزدهم مهر ۱۳۶۶ سردار نادر مهدوی همراه سردار غلامحسین توسلی، سردار بیژن گرد، سردار نصرالله شفیعی، سردار آبسالانی، سردار محمدی ها، سردار مجید مبارکی و عده ای دیگر، برای انجام گشت زنی و حفاظت از آب های نیلگون خلیج فارس، با استفاده از سه فروند قایق تندرو توپ دار به نام «بعثت» و یک فروند ناوچه به نام «طارق» به سمت جزیره فارسی حرکت می کنند. تعدادشان ۱۱ نفر است. در ناوچه طارق سرداران مهدوی، بیژن گرد، مجید مبارکی و غلامحسین توسلی حضور دارند و فرمانده عملیات نیز سردار شهید مهدوی است. آن ها در تاریخ موعود و ساعت مشخص شده پس از مدتی حرکت، به ساحل جزیره فارسی می رسند و از وجود دشمن مطلع می شوند. پس از رسیدن به جزیره فارسی، صدای انفجار مهیب ناشی از انهدام رادار پایگاه فرماندهی توسط بالگردهای آمریکایی را می شنوند و لحظاتی بعد، سردار مهدوی و هم رزمانش یک فروند بالگرد کبری MS۶ متعلق به نیروهای آمریکایی را بالای سر خود می بینند. سردار مهدوی بلافاصله نیروهای تحت امر خود را برای انجام عملیات مقابله به مثل فرامی خواند.

هنوز دقایقی از انهدام رادار فرماندهی نگذشته که قایق حامل سردار آبسالانی و نصرالله شفیعی نیز هدف اصابت موشک آمریکایی ها قرار می گیرد. سردار مهدوی و یارانش، به شدت در تب و تاب این می افتند که بالگرد را بزنند. پس از درگیری شدید، آن ها موفق می شوند با استفاده از یک فروند موشک استینگر، یکی از این بالگردها را منفجر کنند و همگی با همه وجود صلوات و تکبیر می فرستند. اکنون تنها ناوچه طارق که سردار مهدوی بر آن سوار است، سالم مانده و دو قایق دیگر هدف قرار گرفته اند.

نادر مهدوی به اتفاق بیژن گرد، هم به طرف بالگردهای آمریکایی در هوا شلیک می کنند و هم، در پی گرفتن شهدا و زخمی ها از آب هستند که پس از ۲۰ دقیقه رزم جانانه، زنده به چنگال دشمن می افتند. دستگیری نادر برای آمریکایی ها بسیار با اهمیت است. دست و پای نادر توسط دشمن بسته می شود؛ ولی او کماکان تسلیم نمی شود و همچنان مقاومت می کند. نادر بر عرشه ناو جنگی یو.اس.اس. چندلر آماج شکنجه های وحشیانه دشمن قرار می گیرد و سینه اش با میخ های بلند آهنین سوراخ می شود و به این ترتیب مظلومانه به شهادت می رسد!

پس از گذشت شش روز، پیکرهای مطهر شهدا و اسرا از مسقط، پایتخت کشور عمان، تحویل مقام های ایرانی می شود. هنگامی که پیکر مطهر سردار مهدوی به خاک پاک میهن می رسد، بسته شدن محکم دست ها و پاهایش نشان می دهد که آمریکایی ها، حتی از جسم بی جان این سردار شهید نیز می ترسیدند.

محرمانه در بالگردهای به جامانده را باقی گذاشتند. صبح روز بعد با فاش شدن عملیات، معلوم شد دست خدا آمریکایی ها را از ایران دور کرده است. به قول امام خمینی: «چه کسی بالگردهای آقای کارتر را ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن ها ساقط کردند. شن ها مأمور خدا بودند.»

خلیج فارس، جزیره فارسی؛ پاییز ۱۳۶۶

سال های آخر جنگ است و خلیج فارس، ناامن شده. رژیم صدام متوجه شده که یکی از مهم ترین عوامل تقویت نظامی ایران، درآمد حاصل از فروش و صادرات نفت است؛ بنابراین از سه سال قبل می کوشد تولید و صادرات نفت ایران را کند یا متوقف کند. حمله های هوایی عراق علیه تأسیسات نفتی و نفت کش های ایران اگرچه باعث توقف تولید و صادرات آن نشده، ولی موجب افزایش هزینه تولید و کاهش قیمت آن در بازارهای بین المللی شده است.

در این بین کشور کویت به عنوان حامی عراق و مهم ترین کشور صادرکننده نفت از خلیج فارس، با دعوت از آمریکا برای اسکورت نفت کش هایش و برافراشتن پرچم آمریکا بر آن ها بدعتی جدید را پایه گذاری می کند؛ اقدامی که برخلاف ظاهر پرمدعای آن، نمی تواند مؤثر واقع شود. ناوگان های اسکورت آمریکا هر بار پس از تبلیغات و هیاهوی بسیار با ادعای آسیب ناپذیری وارد خلیج فارس می شوند و هر بار نیز آسیب می بینند. مردم ایران هم در نماز جمعه ها شعار «خلیج فارس ایران؛ محل دفن ریگان» سر می دهند و آمریکایی ها واقعا در خلیج فارس دچار مشکل شده اند؛ به طوری که گاهی «بریجتون» بر اثر برخورد با مین آسیب می بیند و گاهی «استارک» به اشتباه از سوی هواپیماهای عراقی مورد حمله قرار می گیرد! فرماندهان عالی رتبه سپاه، جریان عبور آزاد و متکبرانانه کشتی «بریجتون»، ناوهای جنگی آمریکا و نیز سایر کشتی ها و شناورهای تحت حمایت این کشور را به اطلاع امام خمینی می رسانند. خمینی کبیر می گوید: اگر من بودم، می زدم!

این حرف امام برای سردار مهدوی و هم رزمان او کافی است تا خود را برای انجام یک عملیات مقابله به مثل و اثبات این موضوع که با همت و رشادت دلیرمردان ایران اسلامی، خلیج فارس، چندان هم برای آمریکایی ها و نوکرانشان امن نیست، آماده سازند. اولین کاروان از نفت کش های کویتی، آن هم با پرچم آمریکا و اسکورت کامل نظامی توسط ناوگان جنگی این کشور در تیرماه ۱۳۶۶ به راه می افتد. این نفت کش، در فاصله ۱۳ مایلی غرب جزیره فارسی، بر اثر برخورد با مین های کار گذاشته شده توسط سردار مهدوی و یارانش، منفجر می شود. اعلام این خبر شادی و قوت قلب فراوانی را در جمع آن ها به ارمغان می آورد اما ماجرا همچنان ادامه دارد....

کاخ سفید: ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹

«یک تلاش نظامی برای نجات جان گروگان های آمریکایی در تهران به علت نقص تجهیزات عقیم ماند.» این بخشی از متن بیانیه کاخ سفید است که بدون اشاره به جزئیات ماجرا از شکست عملیات نظامی آمریکا در ایران سخن می گوید. حدود یک سال و نیم از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته و آمریکا متوجه شده هیچ جایی در ایران بعد از انقلاب ندارد؛ به همین دلیل تلاش می کند هر طور که شده انقلاب را به شکست بکشانند. عملیات طبس، یکی از حساب شده ترین این تلاش ها است. برنامه نیروهای آمریکا این بود که هشت بالگرد و هفت هواپیمای غول پیکر ۱۳۰-۵ در عمق خاک ایران فرود بیابند؛ سپس بالگردها شبانه سوخت گیری و به نقطه ای در نزدیکی تهران پرواز کنند و تا شب بعد منتظر بمانند. بنا بود که شب دوم گروه های ویژه ای به سفارت آمریکا که به تازگی تسخیر شده بود، حمله کنند و همراه گروگان ها، به ورزشگاهی نزدیکی سفارت بروند؛ سپس به طور هم زمان، فرودگاه مجاور اشغال شود و همه با هواپیمایی که آنجا مستقر شده، به پرواز درآیند؛ سپس طرح پایانی اجرا می شد که شامل حمله به مراکز اقتصادی و اماکن، شخصیت های مؤثر و کلیدی و در نهایت کودتایی با همکاری عوامل لیبرال، ضدانقلاب و جاسوسان مستقر در ایران بود. سرانجام قرار بود کارتر (رئیس جمهور آمریکا) در نطق، سقوط ایران را اعلام کند. همه چیز به دقت برنامه ریزی شده بود. طبق برنامه، چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹، هفت فروند هواپیمای غول پیکر ۱۳۰-۵ و هشت فروند بالگرد متعلق به آمریکا به صورت پنهانی وارد مرز ایران شدند؛ در حالی که نیروهای ویژه عملیات، تجهیزات پیشرفته نظامی و وسایلی همچون جیب، موتورسیکلت های تندرو و مخصوص عملیات و... همراه داشتند. آن ها از جنوب کشور وارد مرزهای ایران شدند و بدون اینکه مانعی در مسیرشان باشد، در فرودگاهی متروکه، نزدیک رباط خان طبس فرود آمدند. نیمه شب در بیابان های طبس، نیروهای آمریکا آماده اجرای عملیات می شدند؛ بدون آنکه کسی از آن خبر داشته باشد. آمریکا حساب همه چیز را کرده بود؛ اما تصور نمی کرد که با مأموران خدا در میانه بیابان روبه رو شود، مأمورانی به شکل شن های بیابان...

یکی از بالگردها از هواپیمای ۱۳۰-۵ سوخت گیری کرد و از زمین برخاست که ناگهان بر اثر اشتباه خلبان با هواپیما برخورد کرد و هر دو آتش گرفتند؛ سپس بر اثر طوفان شن، دو بالگرد دیگر، دچار نقص فنی شدند و از انجام عملیات بازماندند! در نتیجه اجرای طرح متوقف شد و آمریکایی ها از بیم آنکه، همگی در طوفان شن نابود شده یا اسیر نیروهای ایران شوند، از فرصت شب استفاده کرده و فرار کردند. آنان، آن قدر برای فرار عجله کردند که هشت مزدور کشته شده، اسناد سری و

آی‌ها تکرار می‌شود؟

ای ترامپ آسان نیست

دریای سرخ؛ مارس ۲۰۲۵

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، که از حمله‌های نیروهای انصارالله یمن به کشتی‌های آمریکا کلافه شده، می‌گوید به جنگ با نیروهای انصارالله یمن خواهد رفت. ترامپ مدعی می‌شود «حوثی‌های یمن را کاملاً نابود خواهد کرد». شبکه آمریکایی ABC News نیز می‌گوید: «حمله آمریکا به حوثی‌ها برای روزها یا هفته‌ها ادامه خواهد داشت». آمریکا برای حمله به حوثی‌ها، دو ناو هواپیمابر «ترومن» و «وینسون» را در منطقه مستقر می‌کند. این دو ناو هواپیمابر، چند اسکادران جنگنده F-18 Super Hornet، اسکادران‌های F-35 Lightning، هواپیماهای جنگ الکترونیک و هشدار زود هنگام، ناوشکن‌های مجهز به موشک‌های تاماهاک و سیستم‌های پدافندی پیشرفته را شامل می‌شوند. این جنگنده‌های حاضر در ناو، علاوه بر حمله، نقش پدافندی هم ایفا می‌کنند.

همه چیز خیلی سریع اتفاق می‌افتد. پس از شروع حمله‌های آمریکا، نیروهای یمن بلافاصله با موشک و پهپاد به ناو ترومن حمله می‌کنند. سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام می‌کند: «در نتیجه عملیات ما، اکثر جنگنده‌های دشمن، حریم هوایی یمن را به مقصد آب‌های بین‌المللی در دریای سرخ ترک کردند تا از ناو هواپیمابر خود که در حال هدف قرار گرفتن توسط نیروهای یمن بود، دفاع کنند». در جریان حمله‌های یمن، یک جنگنده F-18 نیز سرنگون می‌شود. آمریکا برای حفظ آبروی خود، مدعی می‌شود که پدافند ناو ترومن، به اشتباه این جنگنده را هدف قرار داده است!

در موج دیگری از حمله‌ها، بازم این موضوع تکرار می‌شود. فاکس نیوز می‌نویسد: «جنگنده F-18 هفتاد میلیون دلاری از ناو ترومن در دریای سرخ سقوط کرد!» نیروی دریایی آمریکا در ابتدا علت این سقوط را یک حادثه معمولی در هنگام یدک‌کشی این جنگنده اعلام می‌کند؛ اما گزارش CNN واقعیت دیگری را نشان می‌دهد. یک مقام آمریکایی به CNN می‌گوید که گزارش‌های اولیه از صحنه نشان می‌دهد ترومن برای فرار از حمله حوثی‌ها، چرخشی سخت داشته که در سقوط این جنگنده به دریا نقش داشته است.

واقعیت کم‌کم آشکار می‌شود. آمریکایی‌ها در دریای سرخ به شدت ضربه دیده‌اند. یک مقام آمریکایی دیگر به CNN اطلاع می‌دهد که این جنگنده غرق شده است. این دومین جنگنده‌ای است که طی درگیری با یمن، ساقط می‌شود. رویترز هم گزارش می‌دهد که یک ملوان نیروی دریایی ایالات متحده در جریان درگیری‌ها مجروح شده است. پس از این ماجرا، آمریکا کمتر از یک ماه از آغاز حمله‌ها، بدون آنکه به هدف اعلامی، یعنی نابودی حوثی‌ها دست یابد، از ادامه

حمله به یمن عقب‌نشینی می‌کند.

خلیج فارس؛ اسفند ۱۴۰۴

ترامپ که بعد از شکست در جنگ دوازده‌روزه دائماً عبارت «ما تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کردیم» را تکرار می‌کند، پس از شکست کودتای دی‌ماه به یک عبارت جدید رسیده است: «ناوگان عظیمی در راه است» او دائماً از ناوهای بزرگ آمریکایی می‌گوید که در خلیج فارس مستقر می‌شوند. خبرها نیز حاکی از این است که بیشترین تجمع نیروهای آمریکایی در خاورمیانه در حال شکل‌گیری است. یکی از ناوهای مستقرشده، ناو هواپیمابر پیشرفته «یواس اس جرال آر. فور» است، ناوی که اکنون درگیر طولانی‌ترین مأموریت خود در منطقه شده است. اما گزارش

روزنامه «وال استریت ژورنال» نشان می‌دهد که واقعیت حضور این ناو در خلیج فارس با بازنمایی رسانه‌ای آن فاصله زیادی دارد. بر اساس تحقیقات و مصاحبه‌های انجام‌شده با خدمه این ناو و خانواده‌های آنان، تمدید مکرر مأموریت آن که به دلیل دستور رئیس‌جمهور آمریکا در حمایت از تهدیدش به حمله‌های احتمالی به ایران صورت گرفته، خستگی و دل‌زدگی را در میان ملوانان به اوج رسانده است. این ناو از خرداد ۱۴۰۴ در دریا به سر می‌برد و اکنون وارد دومین تمدید مأموریت خود شده است.

ناو هواپیمابر جرال آر فور پس از هشت ماه دریانوردی مداوم، با مشکلات عدیده‌ای از جمله فرسودگی تجهیزات، فشار روانی خدمه و اعتراض‌های خانواده‌های آن‌ها مواجه شده است. حالا نیز مأموریت طولانی و بی‌سابقه آن در نزدیکی آب‌های ایران، نه تنها خستگی شدیدی را به خدمه این ناو جنگی تحمیل کرده، بلکه موجی از نارضایتی و افسردگی را در میان آنان و خانواده‌هایشان ایجاد کرده است. بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده

با ملوانان این ناو و بستگان آن‌ها، تصمیم اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، برای تمدید دومین دوره مأموریت این ناو، فشارهای روانی غیرقابل‌تحملی را به کارکنان آن وارد کرده است.

یکی از ملوانان این ناو که در بخش کنترل پرواز از روی عرشه فعالیت می‌کند، به دلیل این مأموریت طولانی، در مرگ پدر بزرگ خود غایب بوده، خواهر او طلاق گرفته و برادرش با مشکلات سلامتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. یکی

دیگر از خدمه که مادری جوان است، پس از نزدیک به یک سال دوری از دختر خردسال خود، به شدت به فکر ترک نیروی دریایی افتاده است. به نوشته وال استریت ژورنال، علاوه بر مشکلات روحی، مسائل فنی نیز گریبان‌گیر این ناو شده است. دو تن از ملوانان تأیید کرده‌اند که سیستم فاضلاب ناو با مشکلات جدی مواجه است. بر اساس گزارش‌ها، سامانه خلأ مورد استفاده برای انتقال فاضلاب توالت‌های این ناو که به ۶۵۰ توالت سرویس می‌دهد، به طور میانگین روزانه یک بار دچار مشکل می‌شود. اگرچه مقام‌های نیروی دریایی آمریکا مدعی هستند این مشکل بر توان عملیاتی ناو تأثیری نداشته، اما یکی از خدمه فاش کرده که در حادثه‌ای عجیب، فردی زباله را در توالت عرشه پایینی انداخته بود!

ناو جرال آر فور که بزرگ‌ترین کشتی جنگی جهان محسوب می‌شود، از خرداد ۱۴۰۴ در دریا به سر می‌برد. این ناو ابتدا قرار بود در دریای مدیترانه مستقر شود؛ اما به منطقه کارائیب منحرف شد؛ سپس در اوایل سال جاری، خدمه متوجه شدند که مأموریت آن‌ها بار دیگر تمدید شده است و باید برای حمایت از حمله‌های احتمالی آمریکا به ایران، به غرب آسیا بازگردند.

«مارک مونتگومری»، دریادار بازنشسته آمریکایی، می‌گوید که مأموریت ناوهای هواپیمابر در دوران صلح معمولاً شش ماهه است؛ اما خدمه ناو جرال آر فور هشت ماه است که از خانه دور بوده‌اند و پیش‌بینی می‌شود این مأموریت به ۱۱ ماه برسد که رکوردی بی‌سابقه در نیروی دریایی آمریکا خواهد بود؛ این در حالی است که ناو آبراهام لینکلن نیز به منطقه غرب آسیا اعزام شده است. کاپیتان «دیوید اسکارسوس»، فرمانده ناو، در نامه‌ای به خانواده‌ها این تمدید را غیرمنتظره خواند و گفت که خودش نیز انتظار داشته تا چند هفته دیگر به خانه بازگردد.

به نظر می‌رسد استقرار طولانی مدت ناو جرال آر فور در منطقه، که با هدف تهدید ایران صورت گرفته، به یک بحران داخلی برای نیروی دریایی آمریکا تبدیل شده است. تحلیلگران معتقدند فرسودگی تجهیزات و خستگی نیروی انسانی، توان رزمی این ناو را کاهش داده است.

این وضعیت نیروی دریایی آمریکا پیش از حمله به ایران است؛ غافل از آنکه خدای آب‌های خلیج فارس همان خدای شن‌های طبس است...



استقرار طولانی مدت ناو جرال آر فور در منطقه، که با هدف پروژه‌های آمریکا علیه ثبات منطقه از جمله ایران صورت گرفته، به یک بحران داخلی برای نیروی دریایی ایالات متحده تبدیل شده است



انقلاب اسلامی، فرهنگی بود نه مسلحانه!

چند اعتراف تاریخی

محمد علی ولایی: ۹۹ درصد شهدای انقلاب پیرو امام خمینی بودند؛ نه مجاهدین خلق!

محمد علی ولایی، از دیگر پیش‌کسوتان مبارزات انقلاب در اصفهان می‌گوید: «قبل از انقلاب گروه‌هایی مقلد امام خمینی نبودند؛ مانند انجمن حجّیه یا مجاهدین خلق؛ اما حسابش را بکنید ما شهدایی که دادیم، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، ۹۹ درصد شهدایمان آن کسانی بودند که دنبال نهضت حضرت امام و رهرو اسلام راستین و ائمه اطهار بودند.»

دکتر منصور کاشانی: مجاهدین خلق در اصفهان تأثیری بر انقلابی‌ها نداشتند

دکتر منصور کاشانی، از نیروهای مبارز قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی معتقد است: «گروه‌هایی مثل مجاهدین خلق (منافقین خلق)، فدائیان خلق، حزب توده، پیکار، راه کارگر و غیره، به خاطر بافت مذهبی اصفهان، تأثیر عملی زیادی بر تغییر عقیده افراد انقلابی و پایه‌گذار انقلابی نداشتند. به دلیل ناآگاهی جوانان، بیشتر می‌توانستند بر آنان اثر بگذارند. متأسفانه آن‌ها بعد از انقلاب در اصفهان ترورهای کوری را انجام دادند و تعداد زیادی از افراد بی‌گناه؛ از سبزی فروش تا کاسب، پاسدار، کارمند و روحانی را به شهادت رساندند.»

رضا امیرخانی: انقلاب ما انقلاب کتاب بود

رضا امیرخانی، نویسنده برجسته معاصر که ان‌شاءالله خداوند سلامتی را به او بازگرداند، می‌گوید: «انقلاب اسلامی از جنس هیجان نبود، بلکه با عمیق‌ترین فعالیت‌های فکری و فرهنگی شکل گرفت. تمام انقلاب‌های جهان دارای یک شاخه نظامی هستند؛ اما انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی است که بدون شاخه نظامی به پیروزی رسیده است.»

او می‌گوید: «هاشمی‌رفسنجانی دو کتاب شاخص "امیرکبیر؛ قهرمان مبارزه با استعمار" و نیز ترجمه "سرگذشت فلسطین" را در دوران مبارزات منتشر کرد. رهبر معظم انقلاب نیز کتاب معروف "صلح امام حسن(ع)" را در این سال‌ها ترجمه کرد. شهیدان بهشتی، مطهری، باهنر و حتی کسانی مانند مهندس بازرگان و بنی‌صدر نیز که با خط فکری متفاوت در انقلاب شرکت داشتند، دارای تألیف‌هایی بودند.»

[متن کامل این گزارش تاریخی با ارجاع‌های آن، در سایت اصفهان زیبا موجود است.]

جواد جلوانی



در روزهای اخیر به‌طور مداوم در شبکه‌های اجتماعی، مطالبی درباره نحوه شکل‌گیری انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی منتشر می‌شود. در این مطالب بر این موضوع تأکید می‌شود که انقلاب با حرکت‌های خشن و مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه، به پیروزی رسید؛ اما بررسی تاریخ، واقعیت دیگری را نشان می‌دهد؛ به طوری که میزان تأثیرگذاری مبارزه‌های مسلحانه در پیروزی انقلاب اسلامی، محل تردید جدی است.

مبارزه مسلحانه شیوه مجاهدین خلق بود نه امام خمینی

در میان گروه‌ها و جریان‌هایی که علیه رژیم پهلوی مبارزه می‌کردند، «سازمان مجاهدین خلق» نامی آشنا برای کسانی است که تاریخ سیاسی معاصر ایران را دنبال می‌کنند؛ نامی که تداعی‌کننده خراب‌کاری، ترور، بمب‌گذاری و اقدام‌های مسلحانه است؛ آن‌هم در شرایطی که جریان اکثریت مردمی به رهبری امام خمینی(ره) راه‌وروش مبارزه فرهنگی سیاسی را علیه رژیم پهلوی در پیش گرفته بود. با ظهور امام خمینی(ره)، ایدئولوژی اسلامی که مشحون از آرمان‌های عدالت خواهانه و ظلم‌ستیز بود، بار دیگر مورد توجه مبارزان و مخالفان شاه قرار گرفت و رویکرد اسلام انقلابی، در میان قشرهای مختلف جامعه آن روز ایران با اقبال زیادی روبه‌رو شد.

سید مهدی طباطبایی پور: امام خمینی مبارزات مسلحانه را تأیید نمی‌کرد

مرحوم سید مهدی طباطبایی پور از پیشگامان هدایت تظاهرات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود. او در خاطره‌های خود می‌گوید: «امام خمینی مبارزات مسلحانه را تأیید نمی‌کردند؛ یعنی امام معتقد نبودند ما به ضرب اسلحه باید بر رژیم شاه پیروز شویم.

فکر نمی‌کنم آن‌هایی هم که مبارزه مسلحانه می‌کردند، توانسته باشند از امام تأییدیه بگیرند. حالا بعد از این مبارزات مسلحانه، فهمیدیم که خیلی از این‌ها، مبنای اسلامی، ایمانی و فقهی نداشتند.»

محسن مهدیان



این چند اعتراف را جایی ثبت کنید؛ به کارتان می‌آید. این روزها حق و باطل دارد خودش را عربان نشان می‌دهد. اول یک اعتراف جالب: ترامپ این روزها بسیار متعجب است. چرا؟ ویتکاف، نماینده آمریکا در مذاکرات، می‌گوید ترامپ متعجب است که چرا ایرانی‌ها با وجود ناوگان‌هایی که فرستاده‌ایم، همچنان تسلیم نشده‌اند! حالا سؤال: مگر قرار بود با ترس کار تمام شود؛ بله! ترامپ چند هفته پیش اعتراف کرد: «توافق با آن‌ها دشوار است... گاهی باید ترس ایجاد کرد؛ این تنها چیزی است که می‌تواند اوضاع را تعیین تکلیف کند.» یعنی راهبرد روشن است؛ ایجاد ترس! حالا سؤال: چرا ترس کارگر نیفتاده است؟ باز هم اعتراف از زبان خودشان. مارک لوین، چهره نزدیک به ترامپ، صریح می‌گوید: هدف ما از فشار مضاعف و تهدید نظامی ایران، مسئله دموکراسی نیست! ایرانیان نزدیک قله و نقطه‌ای غیرقابل بازگشت از قدرت جهانی هستند؛ یعنی مسئله، مهار یک قدرت در حال صعود است؛ اما این قدرت از کجاست؟ پاسخ را ژنرال کنت مکنزی، فرمانده پیشین سنتکام، می‌دهد: «ما توانایی نابودی تأسیسات نظامی ایران را داریم؛ اما قادر به نابودکردن تفکر و ایدئولوژی‌ای نیستیم که یک ملت را در برابر فشارها متحد نگه داشته است.» پس مشکل، موشک و تأسیسات نیست؛ تفکری است که ملت را متحد نگه داشته است. خب این تفکر میان چه کسانی است؟ نانسی پلوسی، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا، پاسخ می‌دهد: باید فشار اقتصادی را طوری اعمال کنیم که حامیان نظام در روستاها و اقشار ضعیف هم درد را احساس کنند. حالا چطور این فشار را اعمال کردند؟ وزیر خزانه‌داری آمریکا پاسخ می‌دهد: «ما بدون شلیک حتی یک گلوله، معترضان را به خیابان‌ها کشاندیم... با ایجاد کمبود دلار. بانک مرکزی مجبور به چاپ پول شد، ارزش پول سقوط کرد و تورم بالا رفت.» همین؟ نه، ادامه دارد. این سیاست یک پشتیبان میدانی هم می‌خواهد.

چه کسی توضیح می‌دهد؟ مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق آمریکا، می‌نویسد: «سال نو مبارک به ایرانیانی که در خیابان‌ها هستند و به هر مأمور موسادی که در کنارشان قدم می‌زند.» سؤال آخر: نتیجه این همه فشار چه بوده است؟ باز هم پاسخ از زبان خودشان. ترامپ می‌گوید: «آمریکا ۴۷ سال است نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد.» و پاسخ نهایی رهبر انقلاب؛ برای ثبت در تاریخ: «بنده می‌گویم: تو هم نخواهی توانست.»